

تأثیر مداخله‌ای نگرش مسؤولانه زیست محیطی بر رابطه بین دلبستگی مکانی و رفتار مسؤولانه زیست محیطی

محمد عباس زاده، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران*

حسین بنی فاطمه، استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران

محمدباقر علیزاده‌اقدام، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، ایران

لیلا علوی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، ایران

چکیده

بررسی رفتار زیست محیطی شهروندان جوامع و عوامل مؤثر بر آن، هم‌چنان یکی از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه جامعه‌شناسان در حوزه محیط زیست است. این مقاله با هدف مطالعه رابطه متغیرهای دلبستگی مکانی و نگرش مسؤولانه زیست محیطی با رفتار مسؤولانه زیست محیطی انجام شده است. تأثیر نگرش مسؤولانه زیست محیطی به عنوان متغیر واسطه به کار گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۵ الی ۷۵ ساله شهر تبریز و حجم نمونه آماری ۴۵۶ نفر است که به شیوه پیمایش و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، با استفاده از ابزار پرسشنامه بررسی شده‌اند. اعتبار ابزار با تکنیک تحلیل عاملی و محاسبه KMO و پایایی آن با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که دلبستگی شهروندان تبریز به محیط اجتماعی و کالبد طبیعی شهر برابر با ۴/۴۴ (۷۴ درصد مقیاس تعریف شده) است؛ میانگین نمرات رفتار مسؤولانه زیست محیطی برابر با ۴/۴۷ بوده که کمتر از میانگین نمرات نگرش مسؤولانه زیست محیطی با مقدار ۴/۵۵ است. نتایج به دست آمده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیر نگرش زیست محیطی به صورت مستقیم با ضریب مسیر ۰/۲۲۴ بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی تأثیر داشته و متغیر دلبستگی مکانی نیز با ضریب مسیر ۰/۵۳ بر رفتار زیست محیطی مؤثر است؛ متغیر دلبستگی مکانی نیز با ضریب مسیر ۰/۲۳ بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی تأثیر می‌گذارد. از طرفی دلبستگی مکانی با تأثیر بر نگرش مسؤولانه زیست محیطی با ضریب مسیر ۰/۶۸، به طور غیرمستقیم بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی مؤثر است. **کلیدواژه‌ها:** رفتار زیست محیطی، دلبستگی مکانی، نگرش زیست محیطی، شهر تبریز، مدل‌سازی معادلات ساختاری

مقدمه و بیان مسأله

نگاه مسؤولانه نسبت به محیط زیست و توجه ویژه به مسائل زیست محیطی از نشانه‌های شاخص بسیاری از جوامع قرن بیست و یکم است؛ تأکید و توجهی که در بیشتر نهادها، سازمان‌ها و شهروندان جامعه نسبت به محیط زیست مشاهده می‌شود، نشان از فزونی مخاطرات زیست محیطی و نگرانی‌های موجود نسبت به پیامدهای آن دارد. صاحب‌نظران در حوزه محیط زیست معتقدند کیفیت محیط زیست و کنترل مؤثر مسائل زیست محیطی کاملاً به الگوهای رفتاری انسان‌ها وابسته است؛ مشکلات زیست محیطی متنوعی که امروزه با آن‌ها مواجهیم همانند گرم شدن تدریجی زمین و تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، کمبود آب، کاهش منابع طبیعی و نابودی تنوع اکوسیستمی در جهان، ریشه در رفتار بشری دارند (Nik Ramli and Mohammad, 2012). پژوهشگران بر این باورند که رفتار مسؤولانه زیست محیطی که ناشی از نگرش‌های مسؤولانه در قبال محیط زیست باشد، یکی از عناصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار جوامع مدرن و در حال توسعه است (Dunlap & et al., 2000 in Salehi, 2008). یزدخواستی و همکاران، 1392؛ صالحی و امام‌قلی، 1391؛ ضیاءپور و همکاران، 1391). البته به نظر می‌رسد که صرفاً با آگاهی از نوع ارزش‌ها و نگرش‌های زیست محیطی مورد پذیرش افراد، همواره نمی‌توان نوع رفتار و عملکرد آنان را در زمینه حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی کرد و باید عوامل اجتماعی و محیطی دیگری نیز در تشخیص نوع رفتار زیست محیطی شهروندان بررسی کرد. از جمله عواملی که می‌تواند در کنار نگرش مسؤولانه زیست محیطی بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی تأثیر گذارد و یا در مواقعی این تأثیرگذاری را شدت بخشیده یا خنثی کنند، عوامل ساختاری، موقعیتی، روان‌شناختی و اجتماعی گوناگونی از جمله فشار اجتماعی برای پذیرش هنجارهای جمعی، محدودیت‌های اقتصادی، عوامل عاطفی و فیزیکی که در خلق معنا برای مکان‌های زیست محیطی دخیل‌اند هستند (Vaske, Korbin, 2001).

بنابراین، با توجه به پیشینه تحقیقاتی این پژوهش که در بخش نظری خواهد آمد، احتمال آن می‌رود که ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی مکان‌هایی که شهروندان در زندگی روزانه خود در آن‌ها حضور می‌یابند و نوع احساس و ارتباط افراد نسبت به آن مکان‌ها با رفتار آنان در حوزه محیط زیست رابطه داشته باشد. کیفیت ارتباط افراد با مکان‌های مختلف در زندگی روزمره‌شان و احساسی را که نسبت به آن مکان‌ها دارند تا حدود زیادی می‌توان در مفهوم «دلبستگی مکانی»¹ یافت. به نظر می‌رسد که دلبستگی افراد به مکان‌های زیست محیطی طبیعی در شکل‌گیری رفتار و عملکرد زیست محیطی آنان تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. به عبارتی، دلبستگی افراد به مکان‌های مهم اطرافشان زمانی که با نگرش مثبت و مسؤولانه آنان به محیط زیستی که با آن ارتباط دارند، همراه باشد، به طور مؤثرتری به رفتار مسؤولانه زیست محیطی آنان منجر می‌گردد.

شهر تبریز به عنوان بزرگ‌ترین شهر در شمال غرب و غرب کشور ایران، مرکزیت سیاسی، اداری، صنعتی و اقتصادی در منطقه دارد. با توجه به این تمرکز، این شهر رشد شتابانی در افزایش جمعیت ساکن داشته است و شاهد گسترش صنایع مختلف و فعالیت‌های خدماتی و اقتصادی و علمی و اداری در خود است؛ به طبع گسترش این فعالیت‌ها، فشارهای فیزیکی و طبیعی، انواع آلودگی هوا و آلودگی صوتی، ایجاد انبوه زباله و مخاطرات زیست محیطی دیگر نیز رو به فزونی است (صادقی و همکاران، 1387؛ یزدخواستی و همکاران، 1392). از طرفی شهر تبریز به عنوان تنها کلان‌شهر منطقه شمال غرب کشور، مهاجران زیادی را از مناطق اطراف به خود جذب کرده است، به گونه‌ای که محدوده شهر طی پنج دهه گذشته بیش از پنج برابر شده است (بابایی‌ا قدم و همکاران، 1386:165). همین امر، این شهر را به مورد مناسبی برای مطالعات جامعه‌شناختی و زیست محیطی تبدیل کرده است. انگیزه اساسی در این پژوهش، بررسی تأثیر مداخله‌گر

¹ place attachment

جوامع را تشخیص دهد، به صورت یک پارادایم جدید زیست محیطی در تفکرات زیست محیطی مطرح شده و بر اهمیت تعادل طبیعت و غلبه نکردن انسان بر طبیعت متمرکز است. دانلپ و همکارانش تعداد قابل توجهی از تغییرات درباره محیط زیست و تأثیر فعالیت‌های انسانی بر روی آن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار مسؤولانه زیست محیطی، یکی از عناصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار محیط زیست در جوامع مدرن و در حال توسعه است (ضیاءپور و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین بار (2004) معتقد است که نگرش جدید مطرح شده توسط دانلپ و همکاران (2000) نگرشی است که ارزش‌های زیست-محور را در برابر ارزش‌های فناوری-محور قرار می‌دهد. دانلپ و همکارانش جهان‌بینی فناوری-محور را ضد محیط زیست می‌دانند و آن را به چالش کشیدند. سپس به ارائه رویکردی پرداختند که برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل است و می‌تواند جهت‌دهنده رفتارهای زیست محیطی باشد. آن‌ها معتقدند که یافته‌های محققان به صورت کلی و بدون هیچ استثنا حاکی از آن است که این جهت‌گیری به رفتارهای مسؤولانه نسبت به محیط زیست منجر می‌شود (Barr, 2003).

از سوی دیگر، اینگلهارت، عضو پیشروی رویکرد ارزش‌های فرامادی معتقد است که همزمان با حرکت جوامع غربی از فاز صنعتی به فاز فراصنعتی توسعه به نظر می‌رسد که اولویت‌های ارزشی اساسی مردم در حال تغییر است؛ پس انتقال از جامعه صنعتی به فراصنعتی سبب تأکید فزاینده بر خودبیانگری^۷ می‌شود و متناظر با آن، افزایش ثروت کلی جامعه موجب تغییر ارزش‌ها از تأکید شدید بر امنیت جانی و اقتصادی به تأکید فزاینده و رفاه ذهنی و کیفیت زندگی می‌شود (Salehi, 2008). اینگلهارت برای تعیین این که این تغییرات ارزشی چه هستند و در کدام زمینه‌های زندگی مردم رخ می‌دهند، به بررسی تغییر ارزشی در جوامع صنعتی می‌پردازد و می‌گوید که این ارزش‌ها و تغییرها می‌تواند به

نگرش زیست محیطی شهروندان در رابطه میان دلبستگی آنان به شهر تبریز و رفتار مسؤولانه زیست محیطی‌شان است و این که با توجه به زندگی صنعتی و مدرن شهروندان شهر تبریز، دلبستگی آنان به شهر خود (تبریز) به چه میزانی است. یافتن پاسخ برای این دو سؤال می‌تواند برای ارائه راهکارهایی برای شکل‌گیری رفتار مسؤولانه شهروندان در حوزه محیط زیست تأثیرگذار باشد.

مبانی نظری پژوهش

اهمیت پژوهش در باب رفتار زیست محیطی و مخاطرات زیست محیطی جدید موجب شد که جامعه‌شناسان نقش وسیع‌تر، متفاوت‌تر و خلاقانه‌تری برای علوم اجتماعی در مباحث زیست محیطی قائل شوند (ضیاءپور و همکاران، ۱۳۹۱). نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی در پی آن بوده‌اند که شناخت محیطی را با پارادایم کانونی خود پیوند دهند تا بتوانند به چالش‌هایی که محیط‌گرایان مطرح کرده‌اند، پاسخ گویند (Barry, 2007). در این راستا، رویکردهای گوناگون که هرکدام به نوعی به تبیین رفتارهای زیست محیطی افراد می‌پردازند، به وجود آمده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پارادایم جامعه مسلط آمریکا، جامعه مخاطره‌آمیز الریش بک، پارادایم جدید زیست محیطی^۱ دانلپ و ون لیر^۲، ارزش‌های فرامادی اینگلهارت^۳، نظریه ارزش، باور و هنجار استرن^۴ و همکاران، نظریه کنش معقولانه^۵ فیش بین و آیزن^۶. این رویکردها همگی به طور ضمنی به تشخیص روابط میان هنجارها، ارزش‌ها و ساخت اجتماعی با نوع کنش زیست محیطی افراد می‌پردازند.

در مقابل رویکرد سنتی پارادایم جامعه مسلط آمریکا، طرز تفکر جدید که توانست محدودیت‌های رشد اقتصادی

¹ New Environmental Paradigm (NEP)

² Dunlap & Van Liere

³ Inglehart

⁴ Stern

⁵ Theory of Reasoned Action

⁶ Fishbein & Ajzen

⁷ self - disclosure

جامعه‌شناسی محیط زیست را کنار می‌گذارد و به دنبال عوامل دیگری علاوه بر نگرش زیست محیطی در شکل‌دهی رفتار زیست محیطی می‌رود. در بررسی‌های ادبیات جامعه‌شناسی محیط زیست و جامعه‌شناسی شهری دیده می‌شود که پژوهشگران برای حضور در طبیعت و تجربه محیط زیست طبیعی اهمیت بسیاری قائل شده‌اند؛ آن‌ها معتقدند عامل تجربه، دلبستگی به محیط و کشش عملی افراد را نسبت به طبیعت بر می‌انگیزد. شخصی که با طبیعت و دنیای طبیعی احساس ارتباط و دلبستگی می‌کند، احساسات گسترده‌ای نسبت به موجودات زنده غیر انسانی دارد و این احساس می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مهم نگرش‌ها و رفتار زیست محیطی باشد (Nisbet & et al., 2009). به نقل از بدری گرگری و همکاران، (۱۳۹۰). راجکی^۵ (1982) معتقد است تجربه‌های مستقیم نسبت به تجربه‌های غیرمستقیم تأثیر قوی‌تری بر رفتار دارند؛ به عبارت دیگر، تجربه‌های غیرمستقیمی مانند آموزش مسائل زیست محیطی در مدارس، در مقایسه با تجربه مستقیم این مسائل مانند مشاهده ماهی‌های مرده در رودخانه، به همبستگی ضعیف‌تری میان نگرش و رفتار زیست محیطی افراد منجر می‌گردند. مایر و فرانتز (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیده‌اند که افرادی که گزارش‌کننده احساس ارتباط و پیوستگی بیشتری با طبیعت^۶ هستند، تمایل دارند تصمیماتی بگیرند که به محیط محیط کمک کند. علاوه بر آن، کالس، شوماچر و مانتادا (۱۹۹۹) (به نقل از بدری گرگری و همکاران، ۱۳۹۰) نشان دادند که ارتباط با طبیعت، ۲۵ تا ۳۹ درصد رفتارهای حفاظت از محیط زیست را پیش‌بینی می‌کنند. بدری گرگری و همکارانش (۱۳۹۰) همچنین بیان می‌کنند که پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که ارتباط با طبیعت ۱۰ درصد واریانس رفتارهای زیست محیطی را تبیین می‌کند. کلاتون (2003) نیز به نقل از دانشپور و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که شاخص‌های هویت محیطی، با رفتارهای مسئولانه زیست محیطی، مانند همکاری با سازمان‌ها و نهادهای محیط زیست همبستگی مثبت دارد.

صورت تأکیدی بر آزادی شخصی و سیاسی، مشارکت، برابری، مدارا با اقلیت‌ها و کسانی که عقاید مخالف دارند، پذیرش ایده‌ها و سبک‌های جدید زندگی، حفاظت از محیط زیست و توجه به کیفیت مسائل زندگی تبلور یابند (Flangan & Inglehart, 1987 quotes: Salehi, 2008). اینگلهارت برای پیش‌بینی وسعت ارزش‌های فرامادی^۱ در یک جامعه، دو فرضیه به کار می‌برد: فرضیه کمیابی^۲ و فرضیه اجتماعی شدن^۳؛ او در فرضیه کمیابی فرض می‌کند که اولویت فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است؛ به این معنی که فرد بالاترین ارزش‌ها را به چیزهایی می‌دهد که کمیابند. فرضیه اجتماعی شدن نیز بر این فرض استوار است که جهت‌گیری ارزشی فرد - مادی‌گرایی یا فرامادی‌گرایی - عمدتاً در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد و جهت‌گیری اولیه فرد علی‌رغم تجارب بعدی او نسبتاً پایدار می‌ماند (Salehi, 2008). ارزش‌های مسئولانه زیست محیطی نیز جزو ارزش‌های فرامادی طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توانند در شرایطی در اولویت برای افراد قرار گیرند.

پارادایم جدید زیست محیطی، رویکرد ارزش‌های فرامادی، از اساسی‌ترین و ساده‌ترین مدل‌های تبیین رفتار مسئولانه زیست محیطی یعنی مدل ابتدایی خطی آمریکایی^۴ پیروی می‌کند. در این مدل، توالی خطی دانش زیست محیطی، نگرش زیست محیطی و رفتار مسئولانه زیست محیطی مفروض است. این مدل، مدلی عقل‌گرایانه است که در آن اعتقاد بر این است که آموزش مسائل زیست محیطی به افراد سبب رفتار مسئولانه زیست محیطی آنان می‌شود.

البته این اعتماد بیش از حد و صرف به ارتباط رفتار افراد با دانش و نگرش آن‌ها شگفت‌آور است زیرا تجربه زندگی روزمره به ما ثابت می‌کند که در بیشتر اوقات، تغییر رفتار، تنها با کسب دانش و آگاهی لازم برای رفتاری خاص، بسیار مشکل است. پژوهش حاضر نیز خوش‌بینی معمول در

¹ post materialist values

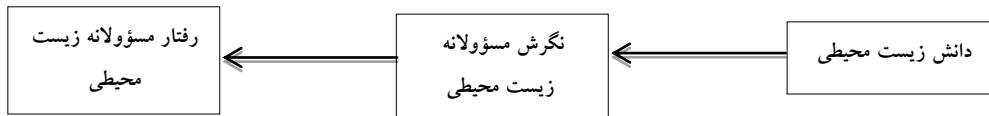
² scarcity hypothesis

³ socialization hypothesis

⁴ Early US Linear Model

⁵ Rajecki

⁶ Nature relatedness



شکل ۱- مدل ابتدایی توالی خطی آمریکایی (Kollmuss & Agyeman, 2002: 241)

شناخت و تجربه فرد نسبت به مکان بر اساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آن‌ها ساخته می‌شود (Low & Altman, 1992:2)؛ پژوهشگران معتقدند از میان مکان‌ها، مکان‌های طبیعی نقش بسیار مهمی در گذران اوقات افراد و کسب تجارب جدید در تعامل با محیط و افراد حاضر در آن دارند (Snepenger & et al., 2007). تعدادی از مطالعات، روابط معناداری را میان دلبستگی مکانی افراد و رفتار زیست محیطی مثبت آنان تأیید کرده‌اند (e.g., Hernandez & et al., 2010; Raymond et al., 2011; Ramkisson & et al., 2013). از طرفی، بررسی‌هایی نیز انجام شده‌اند که دلبستگی مکانی را به عنوان عاملی با اهمیت بالقوه، برای آگاهی از ارزش محافظت از منابع طبیعی، نگرش‌های مسؤولانه زیست محیطی و رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی در مجموعه‌ها و محیط‌های طبیعی در نظر گرفته‌اند (Raymond & et al., 2011; Scannell & Gifford, 2010). بنابراین، میان دلبستگی به مکان طبیعی و هر دو مفهوم نگرش زیست محیطی و رفتار زیست محیطی رابطه مثبتی گزارش شده است.

پیشینه تجربی پژوهش

زمینه پژوهش حاضر از جمله موضوعات جدید در بررسی‌های جامعه‌شناختی است و بررسی‌های اخیر درباره موضوع پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش حاضر علاوه بر نو بودن جامعه آماری مورد بررسی، از نظر وارد نمودن مفهوم دلبستگی مکانی به عنوان متغیری تأثیرگذار بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی در کنار نگرش مسؤولانه زیست محیطی در میان بررسی‌های جامعه‌شناختی داخل کشور تازگی دارد.

یافته‌های بسیاری از پژوهش‌های انجام شده درباره تبیین رفتار زیست محیطی، مفاهیمی همانند دانش زیست محیطی،

برخی مطالعات اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که مدرنیته متأخر با ویژگی‌های مخصوص به خود مانند فناوری‌های جدید، جهانی شدن و تراکم فضا- زمان، موجبات بی‌مکانی را فراهم نموده است و در این فرایند بی‌مکانی، شکل‌گیری هویت انسان دیگر منوط به مکان‌ها نیست زیرا مکان مانند گذشته دیگر مرکز اصلی تجربه بلافصل از جهان نیست اما در این پژوهش اعتقاد بر این است که مکان‌ها همچنان مانند گذشته حداقل در ساخت ابعاد کالبدی و نمادین هویت انسان‌ها نقش زیادی دارند و بنابراین دلبستگی به مکان در انسان‌ها به عنوان عاملی با اهمیت در شکل‌دهی به نگرش‌ها و عملکرد افراد تأثیر دارد؛ همین‌طور به طور خاص، دلبستگی انسان به محیط زیست طبیعی، رفتارهای زیست محیطی را به نگرش‌های مسؤولانه زیست محیطی نزدیک‌تر می‌کند؛ بنابراین، وجود مکان‌های بااهمیت و ارتباط انسان‌ها با آن‌ها، با احتمال زیادی نگرانی نسبت به تهدیدات وارد بر آن‌ها را افزایش می‌دهد. تأکید بر اهمیت دلبستگی به مکان از آن روست که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح ارزش‌های مثبت در قبال محیط زیست، مسؤولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری افراد دارد و شیوه‌های کارآمدی را برای حل مسائل و بهبود شرایط محیطی زندگی افراد ارائه می‌کند؛ افراد در شرایط دلبستگی به مکان‌های خاص، برای مسائل آن مکان‌ها دست به عمل جمعی می‌زنند و با تهدیدات محیطی مربوط به آن مکان‌ها مقابله می‌کنند (Scannell & Gifford, 2010؛ امیرکافی، ۱۳۸۷). به همین ترتیب، بین میزان دلبستگی فرد به مکان و توجه او به آن، ارتباطی مستقیم وجود دارد؛ با افزایش دلبستگی فرد به یک مکان، میزان توجه و مراقبت فرد از آن نیز افزایش می‌یابد (Mesch & Manor, 1998) به نقل از دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹. این دلبستگی به واسطه علاقه،

هدف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های شهری انجام شده‌اند و به مفهوم دلبستگی مکانی رویکردی جامعه‌شناختی نداشته‌اند. از میان آثار منتشر شده در زمینه موضوعات مورد بحث در این پژوهش، به مواردی به شرح جدول زیر اشاره می‌گردد.

نگرش زیست محیطی و ارزش‌های زیست محیطی را تنها تعیین‌کننده‌های رفتار مسؤولانه زیست محیطی فرض نموده‌اند. مطالعات انجام شده درباره دلبستگی مکانی نیز بیشتر در حوزه‌های جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری و معماری با

جدول ۱- خلاصه پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگران	سال	متغیر / متغیرهای مورد بررسی	محتوای مطرح شده در پژوهش
یزدخواستی و همکاران	۱۳۹۲	رفتار زیست محیطی، سواد بوم‌شناختی، ردپای بوم‌شناختی	محاسبه میزان ردپای بوم‌شناختی
صالحی و امام‌قلی	۱۳۹۰	رفتار زیست محیطی، آگاهی زیست محیطی، تحصیلات و جنسیت	تأکید بر تأثیر سواد بوم‌شناختی بر ردپای بوم‌شناختی
هنرور	۱۳۹۰	نگرش زیست محیطی، رفتار زیست محیطی	تأکید بر رابطه میان محل سکونت، وضعیت تأهل، گروه‌های سنی، آگاهی زیست محیطی با رفتار زیست محیطی
دانشپور و همکاران	۱۳۸۸	دلبستگی به مکان	نگرش زیست محیطی افراد بر رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی افراد تأثیرگذار است.
رامکیسون و همکاران	۲۰۱۳	رفتار مسؤولانه زیست محیطی، دلبستگی به مکان، رضایت‌مندی مکانی	تبیین مدل دلبستگی به مکان و ابعاد آن
لیدلی	۲۰۱۳	رفتار زیست محیطی، متغیرهای فرهنگی، طبقه اجتماعی	رضایت‌مندی مکانی به عنوان متغیر مداخله‌گر میان دلبستگی مکانی و رفتار زیست محیطی قرار می‌گیرد.
رامبرگ و موزر	۲۰۰۶	عوامل اجتماعی و روان‌شناختی، رفتار مسؤولانه زیست محیطی	ارتباط میان دارا بودن تحصیلات دانشگاهی و تمایل به بازیافت و نیز مالکیت خودروهای هیبریدی؛ تأثیرگذاری بیشتر متغیرهای فرهنگی نسبت به متغیرهای اقتصادی بر رفتارهای زیست محیطی
			از میان تعیین‌کننده‌های اجتماعی و روان‌شناختی، به ترتیب، تمایل به رفتار مسؤولانه زیست محیطی، نگرش مسؤولانه زیست محیطی، هنجارهای اخلاقی فردی کنترل رفتار و آگاهی از مسأله، تبیین‌کننده رفتار مسؤولانه زیست محیطی هستند.

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر قصد دارد با رویکردی جدید به تبیین رفتار مسؤولانه زیست محیطی بپردازد؛ در این رویکرد جدید توجه ویژه‌ای به مفهوم دلبستگی مکانی می‌شود. بخشی از چارچوب نظری پژوهش را رویکرد جامعه‌شناختی پارادایم جدید زیست محیطی دانلپ و ون لیر است. در این رویکرد ارزش‌های زیست-محور در مقابل ارزش‌های فناوری-محور قرار گرفته است؛ آن‌ها به ارائه رویکردی پرداخته‌اند که برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل است و می‌تواند جهت‌دهنده رفتارهای زیست محیطی باشد. با این حال برای تکمیل

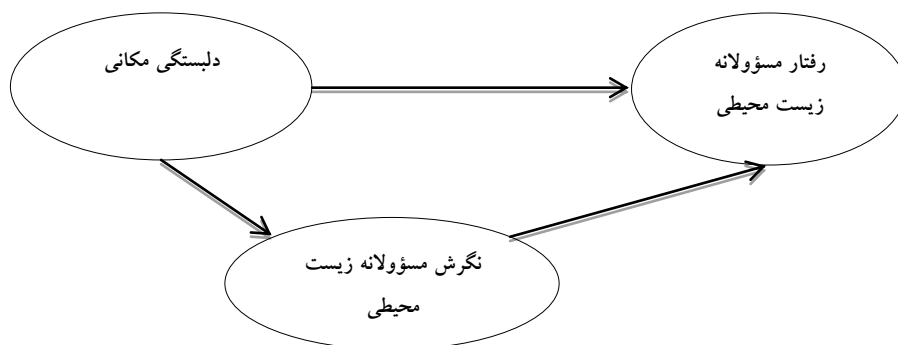
چارچوب نظری، از رویکرد لاو و آلتمن^۱ (1992) در رابطه با مفهوم دلبستگی مکانی و ورود این متغیر به عنوان متغیری تأثیرگذار بر نگرش و رفتار مسؤولانه زیست محیطی در مدل تحلیلی پژوهش بهره برده شده است. اعتقاد آن‌ها بر این است که مکان‌ها همچنان مانند گذشته حداقل در ساخت ابعاد کالبدی و نمادین هویت انسان‌ها نقش زیادی دارند و بنابراین دلبستگی به مکان در انسان‌ها به عنوان عاملی با اهمیت در شکل‌دهی به نگرش‌ها و عملکرد افراد تأثیر دارد و همین‌طور به طور خاص، دلبستگی انسان به محیط زیست طبیعی، رفتارهای زیست محیطی را به نگرش‌های مسؤولانه زیست

¹ Low & Altman

محیطی نزدیک‌تر می‌کند.

در مدل نظری ارائه شده این پژوهش، فرض رابطه علی نگرش زیست‌محیطی و رفتار زیست‌محیطی با برجا باقی می‌ماند اما در کنار متغیر نگرش زیست‌محیطی، متغیر دلبستگی مکانی نیز به عنوان متغیری تأثیرگذار بر هر دو متغیر قبلی (نگرش و رفتار) مطرح می‌گردد. نظریه حمایت‌کننده ایده نوآورانه این پژوهش علاوه بر پارادایم زیست‌محیطی جدید، نظریه لاو و آلمن (1992) در رابطه با دلبستگی افراد انسانی به مکان‌هایی که برای آن‌ها اهمیت ویژه دارند، است. ایده اصلی پژوهش حاضر این است که شاید تبیین شکل‌گیری رفتارهای مسؤولانه زیست‌محیطی افراد، صرفاً با تکیه بر نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی آنان، ساده‌انگاری بیش از حد روابط میان پدیده‌های اجتماعی و انسانی باشد و این ساده‌انگاری در علوم اجتماعی قابل پذیرش نیست و در این راستا مفهوم دلبستگی مکانی را وارد مدل نظری می‌کند. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در این پژوهش اعتقاد بر این است که مکان‌ها همچنان به مانند گذشته حداقل در ساخت ابعاد کالبدی و نمادین هویت انسان‌ها نقش زیادی دارند و بنابراین دلبستگی به مکان در انسان‌ها به عنوان عاملی با اهمیت در شکل‌دهی به نگرش‌ها و عملکرد افراد تأثیر دارد و همین‌طور به طور خاص، دلبستگی انسان به محیط زیست طبیعی، رفتارهای زیست‌محیطی را به نگرش‌های مسؤولانه زیست‌محیطی نزدیک‌تر می‌کند. فرض اساسی در این‌جا، اهمیت ویژه شهر تبریز برای شهروندان آن و دلبستگی آنان به این

شهر است. احساسی که در ادبیات نظری جامعه‌شناختی برخی آثار اجتماعی مانند تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد را در پی دارد (Scannell & Gifford, 2010; امیرکافی، ۱۳۸۷). این دلبستگی به واسطه علاقه، شناخت و تجربه فرد نسبت به مکان بر اساس ویژگی‌های فردی، گروهی و فرهنگی مختلف و ارتباطات اجتماعی بین آن‌ها ساخته می‌شود (Low & Raymond & et al., 2011; Scannell & Gifford, 2010; Altman, 1992:2). این پژوهش با تکیه بر ادبیات ارائه شده (Hernandez & et al., 2010)، دلبستگی شهروندان به شهر تبریز را عاملی مؤثر بر شکل‌گیری یا تقویت نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی آن‌ها و نیز مؤثر بر شکل‌گیری رفتار مسؤولانه آن‌ها در قبال محیط زیست معرفی می‌کند. تأثیرگذاری نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی بر رفتار مسؤولانه زیست‌محیطی نیز که تقریباً در همه متون ادبیات جامعه‌شناسی محیط زیست دیده می‌شود (e.g., Dunlap & et al., 2000; Barr, 2004; Barry, 2007). شکل ۲ روابط مفروض پژوهش میان این سه متغیر را نمایش می‌دهد؛ در این شکل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دلبستگی مکانی بر رفتار مسؤولانه زیست‌محیطی شهروندان فرض شده است. بنابراین، فرض بر این است که دلبستگی مکانی علاوه بر رابطه مستقیم با رفتار مسؤولانه زیست‌محیطی، از طریق تأثیر بر نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی افراد نیز به صورت غیر مستقیم بر رفتار مسؤولانه زیست‌محیطی تأثیر می‌گذارد. مدل نظری ارائه شده زیر در بخش بعدی پژوهش به آزمون گذاشته شده است.



شکل ۲- مدل نظری پژوهش

طرح فرضیه‌های پژوهش

با توجه به چارچوب نظری بیان شده، فرضیه‌هایی که این پژوهش مطرح می‌کند، به شرح زیر است:

(۱) دلبستگی مکانی شهروندان رابطه معناداری با رفتار مسؤولانه زیست محیطی آنان دارد.

(۲) نگرش مسؤولانه زیست محیطی رابطه معناداری با رفتار مسؤولانه زیست محیطی شهروندان شهر تبریز دارد.

(۳) دلبستگی مکانی شهروندان به صورت غیرمستقیم و به واسطه نگرش مسؤولانه زیست محیطی نیز با رفتار مسؤولانه زیست محیطی رابطه معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به جمع‌آوری مستقیم اطلاعات از شهروندان شهر تبریز پرداخته است. شیوه آن پیمایش و با توجه به اهداف، از نوع کاربردی است؛ پژوهش از نظر زمانی مقطعی و از نظر وسعت پهنانگر است. جامعه آماری پژوهش تمام شهروندان بین ۱۵ تا ۷۵ سال هستند که در بازه زمانی انجام پژوهش در شهر تبریز سکونت دارند. بر اساس آخرین آمار موجود جمعیت بالای ۱۵ سال شهر تبریز ۱۱۰۶۷۳۱ نفر است که از این تعداد ۵۶۵۵۴۰ نفر مرد و ۵۴۱۱۹۱ نفر زن هستند (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰).

نمونه‌گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای با تعیین جمعیت به تفکیک مناطق ده گانه شهر انجام شده است. انتخاب نمونه آماری با استفاده از رابطه

$$n = \frac{Nz^2\sigma^2}{(N-1)d^2 + z^2\sigma^2}$$

نمونه، N حجم جامعه آماری، Z ضریب مشخص‌کننده احتمال خطا در حدود اطمینان مورد بررسی، d خطای قابل قبول اندازه‌گیری در سطح اطمینان مورد بررسی و σ به انحراف معیار صفت مورد مطالعه در جامعه مورد بررسی اشاره دارند. با استناد به آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و با توجه به این که انحراف معیار مربوط به متغیر رفتار مسؤولانه زیست محیطی در پیش‌آزمون انجام یافته ۰/۵۳

محاسبه شده است، با در نظر گرفتن این که مقدار Z در سطح اطمینان ۹۵ درصد در جدول مقادیر استاندارد آن برابر ۱/۹۶ و مقدار خطای قابل قبول در این سطح اطمینان ۰/۰۵ است، حجم نمونه قابل بررسی ۴۳۲ نفر محاسبه شد و با در نظر گرفتن ریزش پرسشنامه‌های ناقص، اطلاعات مربوط به ۴۴۲ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

سنجش متغیر وابسته رفتار مسؤولانه زیست محیطی بر اساس پرسشنامه استرن (۲۰۰۰) و پرسشنامه میلفونت (۲۰۱۰) و میلفونت و دوکیت (۲۰۱۰) انجام شده است. این متغیر دو شاخص رفتار زیست محیطی در حوزه عمومی و رفتار زیست محیطی در حوزه خصوصی دارد که گویه‌های مربوط به شاخص رفتار زیست محیطی در حوزه عمومی با توجه به تعاریف مفهومی آمده در مطالعه استرن (۲۰۰۰) عملیاتی شده است. گویه‌های مربوط به شاخص رفتار زیست محیطی در حوزه خصوصی، با توجه به مطالعه میلفونت (۲۰۱۰) و میلفونت و دوکیت (۲۰۱۰) ساخته شده‌اند و پاسخ‌های مربوط به هرکدام از گویه‌ها روی طیف ۶ درجه‌ای لیکرت^۱ قرار داشته و در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌گردند.

نگرش زیست محیطی عمومی^۲، تمایلی روان‌شناختی است که با ارزیابی محیط زیست طبیعی با درجاتی از طرفداری یا عدم طرفداری ابراز می‌شود (Milfont & Duckitt, 2010: 80). در این پژوهش نیز سازه نگرش زیست محیطی، مفهومی چندبعدی است. پرسشنامه نگرش‌های زیست محیطی^۳ میلفونت و دوکیت (2010) که در این پژوهش استفاده می‌شود، فهم و یا عقاید مربوط به محیط زیست طبیعی شامل عوامل مؤثر بر کیفیت آن را می‌سنجد. پاسخ‌های مربوط به هرکدام از گویه‌ها روی طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار داشته و در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌گردند.

^۱ طیف ۶ درجه‌ای لیکرت با درجات کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی موافقم، تا حدودی مخالفم، مخالفم، کاملاً مخالفم طراحی شده است.

^۲ General Environmental Attitude

^۳ Environmental Attitude Inventory (EAI)

شاخص‌های اندازه‌گیری سازه نگرش زیست محیطی عبارتند از:

جدول ۲- شاخص‌های مربوط به سازه رفتار زیست محیطی

رفتار مسؤولانه زیست محیطی	رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه عمومی
رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی	سایر رفتارهای زیست محیطی

جدول ۳- شاخص‌های مربوط به سازه نگرش زیست محیطی

نگرش مسؤولانه زیست محیطی	لذت از طبیعت
باور به تهدیدهای زیست محیطی	
اعتقاد به حفاظت از منابع طبیعی به خاطر انسان	
اعتقاد به عدم تسلط انسان بر طبیعت	
اعتقاد به عدم بهره‌برداری انسان از طبیعت	

تجزیه به مؤلفه‌های اصلی انجام شد. نتایج مربوطه در جدول ۴ گزارش شده است. برای متغیر وابسته، رفتار زیست محیطی، مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری^۳ برابر با ۰/۶۹۲ است و چون از ۰/۵ بزرگ‌تر است، نشان‌دهنده مناسب بودن عامل تعریف شده است. نتیجه آزمون بارتلت^۴ که فرضیه شناخته شده بودن ماتریس همبستگی را بررسی می‌کند (نوربان و همکاران، ۱۳۸۴)، نشان می‌دهد که تحلیل عامل ممکن است برای داده‌ها مفید باشد و در اینجا معناداری $\text{sig.}=00.0$ به دست آمده است. میزان واریانس مشترک متغیر رفتار زیست محیطی با عوامل پنهان در حدود ۶۱ درصد است و باقی واریانس، مربوط به تغییراتی در متغیر وابسته رفتار زیست محیطی است که به سادگی با مدل‌های عاملی نمی‌توان آن‌ها را تبیین کرد. شاخص‌های اعتبار سازه‌ای (شاخص کفایت نمونه‌گیری، آزمون بارتلت) برای دیگر متغیرها نیز در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴- شاخص‌های اعتبار متغیرهای پژوهش

عامل	شاخص KMO	درصد تبیین واریانس عامل	معناداری آزمون بارتلت
رفتار زیست محیطی	۰/۶۹۲	۶۰/۹۳	۰/۰۰
نگرش زیست محیطی	۰/۷۲۱	۶۳/۳۹	۰/۰۰
دلبستگی مکانی	۰/۹۳۸	۶۵/۵۴	۰/۰۰

برای بررسی پایایی ابزار پژوهش از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ به شرط حذف گویه استفاده شده است. جدول ۵ مقدار این ضریب را برای متغیر وابسته و دو متغیر مستقل و همین‌طور شاخص‌های مربوط به هرکدام از آن‌ها به صورت جداگانه نشان می‌دهد. متغیر رفتار مسؤولانه زیست محیطی دارای ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷، نگرش مسؤولانه زیست محیطی دارای ضریب ۰/۶۹۱ و همین‌طور دلبستگی مکانی

در این پژوهش برای عملیاتی کردن سازه دلبستگی مکانی، از ۴ شاخص وابستگی به محیط طبیعی مکان (وابستگی کالبدی)، وابستگی به محیط اجتماعی مکان (وابستگی اجتماعی)، هویت مکان طبیعی (هویت کالبدی) و هویت مکان اجتماعی (هویت اجتماعی) استفاده شده است. برای سنجش مفهوم دلبستگی مکانی از گویه‌های مربوط به این شاخص‌ها در مطالعه رامکیسون و همکاران (۲۰۱۳)، کایل و همکاران^۱ (۲۰۰۴) و ویلیامز و واسکه^۲ (۲۰۰۳) و اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰) استفاده شده است و همین‌طور، پاسخ‌های مربوط به هرکدام از گویه‌ها روی طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار داشته است و در سطح رتبه‌ای اندازه‌گیری می‌شوند.

برای تعیین اعتبار سازه‌ای و سنجش میزان پایایی و همبستگی درونی داده‌ها، پیش‌آزمونی با حجم نمونه ۴۰ نفری انجام شد. بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق با تفکیک و دسته‌بندی سؤالات به وسیله تکنیک تحلیل عاملی براساس

^۳ KMO

^۴ Bartlett's Test of Sphericity

^۱ Kyle et al.

^۲ Williams and Vaske

دارای ضریب ۰/۹۶۴ است؛ شاخص‌های این متغیرها نیز ضریب آلفای کرونباخ بالاتر و یا نزدیک به ۰/۷ دارند.

جدول ۵- ضریب آلفای کرونباخ شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی	متغیر	تعداد گویه	ضریب پایایی
رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی	۸	۰/۷۰۹	اعتقاد به عدم بهره برداری انسان از طبیعت	۴	۰/۶۶
رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه عمومی	۵	۰/۵۲۵	نگرش مسؤولانه زیست محیطی	۱۷	۰/۶۹۱
رفتار مسؤولانه زیست محیطی	۱۳	۰/۷۸	وابستگی کالبدی	۴	۰/۸۳
لذت از طبیعت	۳	۰/۵۲۹	وابستگی اجتماعی	۳	۰/۹
باور به تهدیدهای زیست محیطی	۴	۰/۷۲۸	هویت کالبدی	۴	۰/۷۴
اعتقاد به حفاظت از طبیعت برای انسان	۳	۰/۵۲۳	هویت اجتماعی	۴	۰/۸۸
اعتقاد به تسلط نیافتن انسان بر طبیعت	۳	۰/۵۲۸	دلبستگی مکانی	۱۵	۰/۸۶

یافته‌های پژوهش

الف) آماره‌های توصیفی رفتار مسؤولانه زیست محیطی

برای سنجش رفتار مسؤولانه زیست محیطی به عنوان متغیر وابسته پژوهش، از دو بُعد رفتار زیست محیطی در حوزه خصوصی و رفتار زیست محیطی در حوزه عمومی بهره برده شده است. ابعاد رفتار زیست محیطی در حوزه خصوصی و عمومی به ترتیب با ۸ و ۵ گویه در سطح رتبه‌ای و با طیف شش گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده است. مقادیر این دو بُعد رفتاری، با محاسبه میانگین گویه‌های مربوط به هر بُعد تعیین می‌شوند. همان‌طور که در بخش روش‌شناسی بیان شد، مقادیر این دو بُعد بین یک و ۶ است. میانگین محاسبه شده برای متغیر رفتار مسؤولانه زیست محیطی برابر با ۴/۴۷ است. جدول شماره ۶ آماره‌های توصیفی مربوط به رفتار مسؤولانه زیست محیطی شهروندان را نشان می‌دهد.

ب) آماره‌های توصیفی اندازه‌گیری متغیر نگرش مسؤولانه زیست محیطی و دلبستگی مکانی

برای سنجش متغیر نگرش مسؤولانه زیست محیطی به عنوان متغیر مستقل پژوهش، از ۱۷ گویه در ۵ شاخص که با عبارات

«لذت از طبیعت^۱»، «باور به تهدیدهای زیست محیطی^۲»، «اعتقاد به حفاظت از طبیعت برای انسان^۳»، «اعتقاد به تسلط نداشتن انسان بر طبیعت^۴» و «اعتقاد به بهره‌برداری نکردن انسان از طبیعت^۵» مشخص شده‌اند، استفاده شده است. تمامی گویه‌های مربوط به این متغیر در سطح رتبه‌ای و طیف شش گزینه‌ای لیکرت اندازه‌گیری شده‌اند. نمره مخصوص شاخص‌ها، میانگین نمرات گویه‌های مربوط به آن شاخص‌ها است که نمراتی بین مقادیر ۱ و ۶ را دارند. مقدار نمره نگرش مسؤولانه زیست محیطی هم بر اساس حاصل میانگین شاخص‌های سنجش شده و در سطح فاصله‌ای بین ارقام ۱ تا ۶ محاسبه شده است. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه، ۴/۵۵ است که ۷۵/۸۳ درصد از مقیاس تعریف شده را به خود اختصاص می‌دهد و بیانگر نگرش مسؤولانه زیست محیطی متوسط به بالای شهروندان تبریزی است.

اندازه‌گیری متغیر دلبستگی مکانی نیز با استفاده از ۱۵ گویه در سطح رتبه‌ای و طیف شش گزینه‌ای لیکرت انجام شده است. این گویه‌ها متعلق به شاخص‌های وابستگی

¹ Enjoyment of Nature

² Environmental Threats

³ protection of the environment motivated by anthropocentric concern

⁴ Human non-dominance over nature belief

⁵ Human non-utilization of nature belief

متغیر دلبستگی شهروندان به شهر تبریز برابر ۴/۴۴ است که ۷۴ درصد از حداکثر نمره در مقیاس تعریف شده (عدد ۶) است. جدول ۶ آمارهای توصیفی مربوط به متغیر نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی و دلبستگی مکانی شهروندان تبریزی را نشان می‌دهد.

کالبدی، وابستگی اجتماعی، هویت کالبدی و هویت اجتماعی هستند. نمره مخصوص شاخص‌ها، میانگین نمرات گویه‌های مربوط به آن شاخص‌ها است. مقدار متغیر دلبستگی مکانی نیز حاصل محاسبه میانگین شاخص‌های مربوطه است که در سطح فاصله‌ای محاسبه می‌شود. میانگین محاسبه شده برای

جدول ۶- آمارهای توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	میانگین (از ۶)	انحراف معیار	دامنه	نمره بر حسب درصد	کمینه	بیشینه	کشیدگی	چولگی
رفتار مسؤولانه زیست محیطی	۴/۴۷	۰/۵۸	۲/۶۱	۷۴/۵	۳/۱۴	۵/۷۵	-۰/۵۲	-۰/۱۸
نگرش مسؤولانه زیست محیطی	۴/۵۵	۰/۴۹	۲/۴	۷۵/۸۳	۳/۱۲	۵/۵۲	-۰/۲۱۹	-۰/۳
دلبستگی مکانی	۴/۴۴	۰/۷۴	۴/۱۶	۷۴	۲/۱۷	۶	-۰/۳۸	-۰/۲۵۶

شهروندان تبریزی در حوزه عمومی رفتارهای مسؤولانه‌تری را از خود بروز می‌دهند. رفتار مسؤولانه در حوزه خصوصی نیز با نمره ۴/۱۱ بالاتر از سطح متوسط و البته پایین‌تر از میانگین رفتار مسؤولانه در حوزه عمومی قرار دارد.

برای این که میانگین‌های محاسبه شده در مورد متغیرها و مؤلفه‌های سازنده آن‌ها با یکدیگر قابل مقایسه باشند، نمرات میانگین بر حسب درصد نیز محاسبه شده است. بررسی نتایج توصیفی مربوط به مؤلفه‌های سازنده رفتار مسؤولانه زیست محیطی مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که

جدول ۷ - آمارهای توصیفی مربوط به مؤلفه‌های سازنده متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	شاخص	میانگین (از ۶)	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	کشیدگی	چولگی	نمره بر حسب درصد
رفتار مسؤولانه زیست محیطی	رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی	۴/۱۱	۰/۷۵	۲/۱۲	۵/۷۵	-۰/۲۷	-۰/۲۴	۶۸/۵
	رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه عمومی	۴/۸۴	۰/۸۳	۲/۴	۶	۰/۲	-۰/۴۹	۸۰/۶۶
نگرش مسؤولانه زیست محیطی	لذت از طبیعت	۴/۸۴	۰/۸۲	۱/۳۳	۶	۰/۸۵	-۰/۷۳	۸۰/۶۶
	باور به تهدیدهای زیست محیطی	۴/۷۴	۰/۹۱	۱/۵	۶	۰/۴۲	-۰/۷۴	۷۹
	اعتقاد به حفاظت از طبیعت برای انسان	۴/۹۸	۰/۷۵	۲	۶	۱/۱	-۰/۹۲	۸۳
	اعتقاد به تسلط نداشتن انسان بر طبیعت	۳/۸۴	۰/۹	۱	۶	۰/۰۹	۰/۱	۶۴
دلبستگی مکانی	اعتقاد به بهره برداری نکردن انسان از طبیعت	۴/۳۶	۰/۹	۱/۵	۶	-۰/۳۶	-۰/۴	۷۲/۶۶
	وابستگی کالبدی	۴/۴۱	۰/۸۹	۱/۵۶	۶	۰/۰۳	-۰/۶۲	۷۳/۵
	وابستگی اجتماعی	۴/۲۳	۰/۹	۱	۶	۰/۶۶	-۰/۸۹	۷۰/۵
	هویت کالبدی	۴/۴	۰/۷۸	۱	۶	۰/۳۷	-۰/۰۵	۷۳/۳۳
	هویت اجتماعی	۳/۶۹	۰/۹۳	۲	۶	-۰/۲۵	-۰/۶۵	۶۱/۵

مسئولانه شهروندان در قبال محیط زیست، رفتارهای مسئولانه زیست محیطی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بررسی رابطه نگرش مسئولانه زیست محیطی با دو شاخص رفتاری در حوزه محیط زیست نشان می‌دهد که بین این متغیر با شاخص‌های رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه عمومی و رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی، همبستگی مستقیم معناداری وجود دارد؛ این بدان معنی است که به طور کلی با افزایش نگرش مسئولانه زیست محیطی در میان شهروندان میزان رفتار مسئولانه زیست محیطی آن‌ها هم در حوزه خصوصی و هم در حوزه عمومی افزایش می‌یابد.

همبستگی شاخص‌های نگرش مسئولانه زیست محیطی با رفتار زیست محیطی و شاخص‌های آن نیز در جدول ۸ آمده است. شاخص لذت از طبیعت بالاترین همبستگی (۰/۳۹۱) را با رفتار مسئولانه زیست محیطی دارد. همبستگی این شاخص با دو شاخص رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی (۰/۳۱۵) و عمومی (۰/۲۹۷) نیز بالاترین میزان را دارد. شاخص‌های باور به تهدیدهای زیست محیطی و گرایش به تسلط انسان بر طبیعت همبستگی معناداری با شاخص رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی ندارند.

همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص‌های نگرش مسئولانه زیست محیطی همگی بیش از ۵۰ درصد نمره قابل اکتساب را به دست آورده‌اند که از آن میان شاخص اعتقاد به حفاظت از طبیعت برای انسان بیشترین (۸۳ درصد) و شاخص اعتقاد به تسلط نداشتن انسان بر طبیعت (۶۴ درصد) کمترین مقدار را داشته‌اند. نمرات شاخص‌های مربوط به متغیر دلبستگی مکانی شهروندان شهر تبریز همگی به جز شاخص هویت اجتماعی درصد بالای ۷۰ را نشان می‌دهند؛ هویت اجتماعی شهروندان با فاصله کمی نسبت به بقیه شاخص‌های دلبستگی مکانی از میانگین کمتری برخوردار است.

ج) تحلیل یافته‌ها

بررسی رابطه نگرش مسئولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن با رفتار مسئولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن

برای آزمون رابطه بین رفتار و نگرش مسئولانه زیست محیطی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که ضریب همبستگی محاسبه شده برابر با ۰/۳۹۸ است که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. این بدان معنی است که بین رفتار مسئولانه زیست محیطی و نگرش مسئولانه زیست محیطی شهروندان شهر تبریز رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. به عبارتی با افزایش نگرش‌های

جدول ۸- همبستگی بین رفتار مسئولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن با نگرش مسئولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن

ضریب همبستگی						
متغیر وابسته	نگرش مسئولانه زیست محیطی	لذت از طبیعت	باور به تهدیدهای زیست محیطی	اعتقاد به حفاظت از طبیعت برای اهمیت انسان	گرایش به تسلط انسان بر طبیعت	اعتقاد به بهره برداری انسان از طبیعت
رفتار مسئولانه زیست محیطی	**۰/۳۹۸	**۰/۳۹۱	**۰/۱۲۹	**۰/۳۲۵	ns۰/۰۸۴	**۰/۲۴۲
رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی	**۰/۲۶۷	**۰/۳۱۵	ns۰/۰۸۹	**۰/۲۷۷	ns۰/۰۳۷	*۰/۰۹۳
رفتار مسئولانه زیست محیطی در حوزه عمومی	**۰/۳۶	**۰/۲۹۷	*۰/۱۱۹	**۰/۲۳۴	*۰/۰۹۴	**۰/۲۹۳

ns و * و ** به ترتیب غیرمعنادار و معنادار در سطح اطمینان ۰/۹۵ و ۰/۹۹

بررسی رابطه دلبستگی مکانی با رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن

برای آزمون رابطه بین رفتار مسؤولانه زیست محیطی و دلبستگی مکانی نیز از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهند که ضریب همبستگی محاسبه شده میان این دو متغیر برابر ۰/۲۳ است که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است. این بدان معناست که شهروندانی که دلبستگی بیشتری به شهر تبریز دارند، رفتارهای مسؤولانه بیشتری در قبال محیط زیست شهر تبریز از خود نشان می‌دهند.

بررسی همبستگی دلبستگی مکانی با مؤلفه‌های سازنده متغیر رفتار مسؤولانه زیست محیطی نیز نشان می‌دهد بین این

متغیر با رفتار مسؤولانه زیست محیطی خصوصی و عمومی شهروندان همبستگی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، دلبستگی مکانی بالاتر، بر رفتارهای زیست محیطی آنان در حوزه خصوصی و حوزه عمومی تأثیر دارد. جدول ۹ همبستگی میان شاخص‌های دلبستگی مکانی و شاخص‌های رفتار مسؤولانه زیست محیطی را نشان می‌دهد. بالاترین همبستگی (۰/۳۶۵) مربوط به وابستگی اجتماعی و رفتار مسؤولانه در حوزه خصوصی است. همبستگی میان هویت کالبدی و رفتار مسؤولانه زیست محیطی و رفتار در حوزه خصوصی معنادار نیست.

جدول ۹- همبستگی بین رفتار مسؤولانه زیست محیطی و مؤلفه‌های آن با متغیر دلبستگی مکانی و مؤلفه‌های آن

ضریب همبستگی		متغیر وابسته		
هویت اجتماعی	هویت کالبدی	وابستگی اجتماعی	وابستگی کالبدی	دلبستگی مکانی
**۰/۱۵۲	ns۰/۰۸۲	**۰/۳۲۱	**۰/۱۸۵	**۰/۲۳
ns۰/۰۰۶	ns-۰/۰۵۹	**۰/۳۶۵	*۰/۱۰۵	**۰/۱۸۵
**۰/۲۵۲	**۰/۱۸۹	**۰/۱۳۷	*۰/۱۹۱	**۰/۱۲۶

ns و * و ** به ترتیب غیرمعنادار و معنادار در سطح اطمینان ۰/۹۵ و ۰/۹۹

برای آزمون فرض نرمال بودن توزیع خطاها که یکی دیگر از پیش فرض‌های تحلیل رگرسیونی است، از آزمون دوربین-واتسون^۲ استفاده شده است که دامنه تغییرات آن بین ۴-۰ است و مقدار قابل قبول این شاخص مقادیر نزدیک عدد ۲ است؛ در این پژوهش مقدار محاسبه شده برای ضریب دوربین-واتسون برابر با ۲/۰۵۱ است که نشان می‌دهد خطاها یا باقی‌مانده‌ها از همدیگر مستقل هستند.

شدت هم‌خطی در رگرسیون نیز از جمله مواردی است که باید پیش از انجام تحلیل رگرسیونی آزمون گردد؛ این شاخص نشان می‌دهد که چه مقدار از واریانس تبیین شده

مدل رگرسیونی تأثیر متغیرهای نگرش مسؤولانه زیست محیطی و دلبستگی مکانی بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی

برای تعیین سهم و میزان تأثیر هرکدام از متغیرها در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیونی استفاده می‌شود. تحلیل رگرسیونی، دارای پیش فرض‌هایی است که باید قبل از تحلیل بررسی شوند؛ از جمله آن‌ها، حذف مقادیر ناهم‌ساز است. ناهم‌سازها مواردی با مقادیر نامعقول در میان داده‌هاست و در این پژوهش، مقادیر ناهم‌ساز توسط شاخص تفاوت ماهالانوبیس^۱ مشخص و از جریان تحلیل کنار گذاشته شدند.

² Durbin-Watson

¹ Mahalanobis Difference

متغیر وابسته، توسط ضرایب رگرسیونی به سبب همبستگی متغیرهای مستقل افزایش می‌یابد (کرلینجر، ۱۳۸۸). شاخص مورد توجه برای این آزمون VIF است که مقادیر بالاتر از ۱۰ آن نشان از هم‌خطی بالاست که تحلیل رگرسیونی را مختل می‌کند. در این پژوهش، مقدار VIF، ۱/۰۰۲ است که نشان از هم‌خط نبودن است.

شرط دیگر تحلیل رگرسیونی نیز کمی بودن داده‌های متغیرهای وارد شده در تحلیل است؛ در این جا نیز متغیرها با اغمازی که در تحلیل داده‌های انسانی معمول است، در سطح فاصله‌ای در نظر گرفته می‌شوند. با برقراری پیش‌شرط‌های تحلیل رگرسیون، تحلیل رگرسیونی انجام می‌شود.

در این پژوهش، برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر رفتار مسؤولانه زیست محیطی از تحلیل رگرسیونی استفاده شد؛ نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که متغیرهای مورد آزمون با ضریب همبستگی چندگانه معادل ۰/۴۲۳ با رفتار مسؤولانه زیست محیطی رابطه دارند و در مجموع حدود ۱۷/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش را تبیین می‌کنند. آن بخش از واریانس متغیر وابسته که به وسیله متغیرهای مستقل وارد شده در معادله رگرسیون تبیین نشده، متأثر از متغیرهای دیگری است که در این مقاله از آن بحث نشده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون رگرسیون چندمتغیره

ضریب همبستگی چندگانه	واریانس تبیین شده	R ² تصحیح شده	ضریب دوربین- واتسون
۰/۴۲۳	۰/۱۷۹	۰/۱۷۵	۲/۰۵۱

جدول ۱۱- نتایج تحلیل واریانس ضرایب رگرسیونی

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	معناداری*
رگرسیون	۲۵/۵۰۷	۲	۱۲/۷۵۴	۴۶/۲۵۹	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۱۶/۸۹۶	۴۲۴	۰/۲۷۶		
کل	۱۴۲/۴۰۳	۴۲۶			

* معنادار در سطح اطمینان ۹۹٪

همان‌طور که در جدول ۱۱ ملاحظه می‌شود، نسبت F دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی پژوهش حاضر مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است؛ به عبارتی، متغیرهای مستقل نگرش مسؤولانه زیست محیطی و دلبستگی مکانی وارد شده در مدل رگرسیونی قادرند که تغییرات متغیر وابسته

رفتار مسؤولانه زیست محیطی را توضیح دهند. در جدول ۱۲ نیز مقدار ثابت (عرض از مبدأ) محاسبه شده نشان می‌دهد که اگر تأثیر متغیرهای مستقل موجود کنترل شوند، مقدار پایه رفتار مسؤولانه زیست محیطی برابر با ۲/۳۹۹ است.

جدول ۱۲- ضرایب تبیین متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی

مدل	B استاندارد نشده	B _t استاندارد	t	معناداری*
عرض از مبدأ	۲/۳۹۹	۰	۹/۷۶۰	۰/۰۰۰
نگرش مسؤولانه زیست محیطی	۰/۵۲۰	۰/۴۴۷	۹/۴۷۲	۰/۰۰۰
دلبستگی مکانی	۰/۴۸۳	۰/۲۳۲	۵/۱۱۹	۰/۰۰۰

* معناداری در سطح اطمینان ۹۹٪

مدل‌سازی معادلات ساختاری

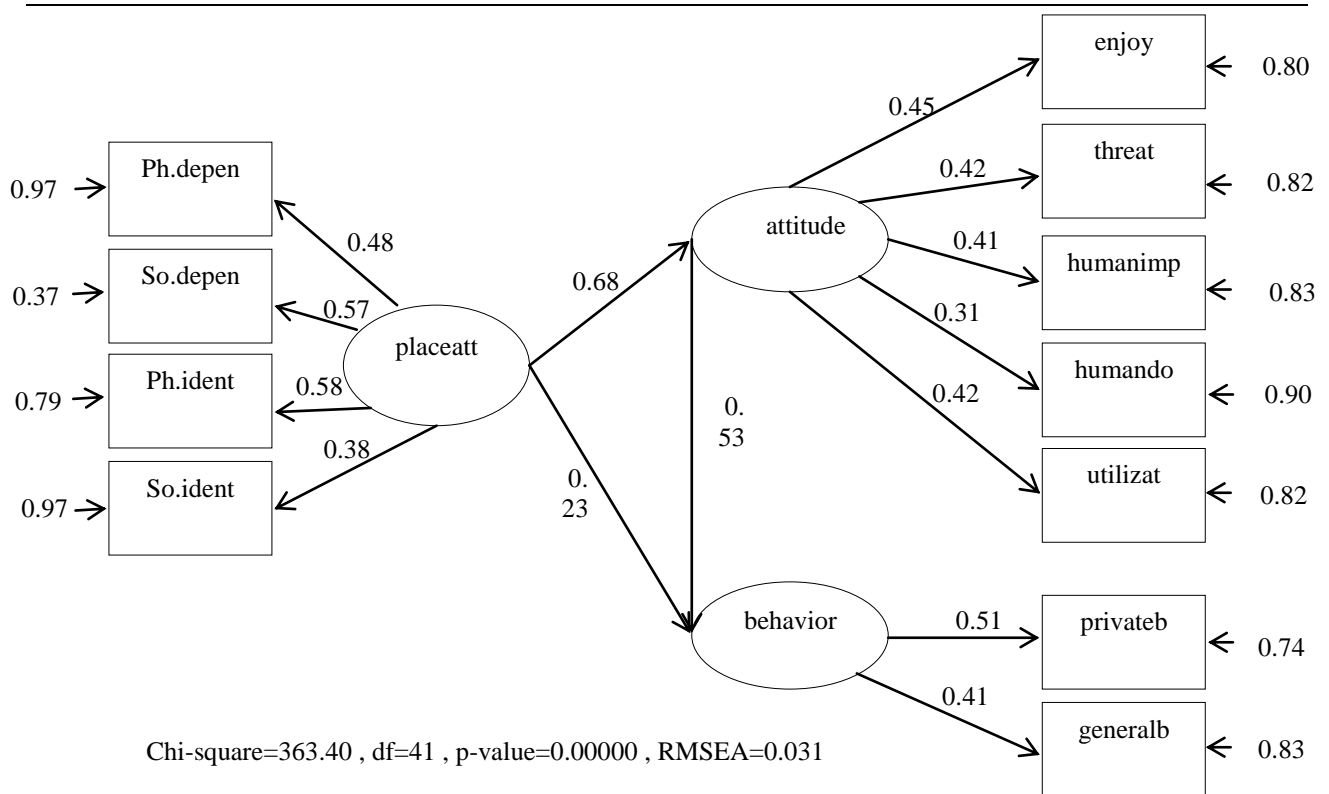
در پژوهش حاضر از آن‌جا که مدل نظری مشخصی در بخش نظری ارائه شده است، برای آزمون این مدل نظری از مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره برده شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری، تکنیکی برای تحلیل داده‌هاست که به منظور ارزیابی روابط بین دو نوع از متغیرها (متغیرهای آشکار و پنهان) طراحی شده است. این تکنیک توسط نرم‌افزار لیزرل^۱ انجام می‌گیرد. ویژگی بسیار ارزشمند مدل معادلات ساختاری تحلیل و پردازش همزمان روابط بین متغیرهای مدل سنجش است (کفاشی، ۱۳۹۳). کاربرد دیگر این مدل‌سازی معادلات ساختاری ارزیابی برازش مدل فرض شده پژوهش با داده‌های مشاهده شده است. در این رابطه، از شاخص‌های نیکویی برازش^۲ برای ارزیابی برازش مدل ارائه شده استفاده می‌شود.

در این بخش متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پژوهش همراه با شاخص‌های مربوطه‌شان برای بررسی روابط میان آن‌ها وارد نرم‌افزار می‌شود و تحلیل مربوطه انجام می‌گردد. در شکل ۳، مدل اساسی پژوهش (مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری) آمده است. همان‌طور که دیده می‌شود، بارهای عاملی شاخص‌هایی که روی سه متغیر پنهان بالاتر از ۰/۴ هستند و دو بار عاملی نیز نزدیک به ۰/۴ گزارش شده‌اند. بنابراین، در مورد بخش اندازه‌گیری اکثر شاخص‌های متغیرهای پنهان به طور نسبتاً مناسب روی آن‌ها بار شده‌اند. در بخش ساختاری نیز، متغیر نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی با ضریب استاندارد مسیر ۰/۵۳ و متغیر دلبستگی مکانی با ضریب استاندارد مسیر ۰/۲۳ مقدار قابل قبول و معناداری از واریانس متغیر رفتار مسؤولانه زیست‌محیطی را تبیین می‌کنند؛ همین‌طور، مدل ساختاری نشان می‌دهد که متغیر دلبستگی مکانی با ضریب مسیر ۰/۶۸ بر نگرش مسؤولانه زیست‌محیطی شهروندان تأثیرگذار است.

جدول ۱۳ شاخص‌های نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده را نشان می‌دهد. مقدار آماره کای اسکوتر برابر با ۳۶۳/۴ با درجه آزادی ۴۱ است. این آماره در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار شده است و نشان می‌دهد که مدل مورد نظر کفایت لازم را ندارد؛ البته آماردانان تأکید دارند که در استفاده از این آماره باید احتیاط لازم به کار گرفته شود زیرا مقدار کای اسکوتر نسبت به حجم نمونه حساسیت دارد و علاوه بر آن فرض می‌کند که مدل به طور کامل با جامعه آماری برازش دارد. بنابراین شاخص‌های مهم دیگر ارائه شده در نرم‌افزار لیزرل نیز مورد بررسی قرار گرفتند؛ شاخص‌های GFI و AGFI با مقادیر ۰/۹۱ و ۰/۸۹ گرفتند؛ شاخص‌های قابل قبول مدل هستند. مقدار شاخص RMSE نیز کمتر از ۰/۰۵ و نشان‌دهنده برازش امیدوارکننده مدل ساختاری ارائه شده است.

^۱ LISREL (Linear Structural Relationships)

^۲ Goodness of Fit Indices



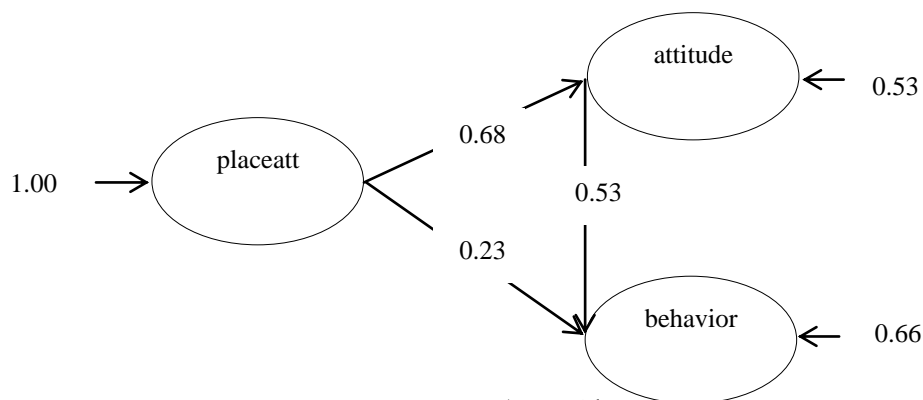
شکل ۳- مدل اساسی پژوهش

جدول ۱۳ - شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری

شاخص‌های نیکویی برازش					
CFI	AGFI	GFI	RMSE	P-value	Chi-Square
۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۹۱	۰/۰۳۱	۰/۰۰	۳۶۳/۳۹۷

به دست آمده به صورت استاندارد هستند.

شکل ۴ مدل ساختاری به دست آمده بر اساس نتایج پژوهش را نشان می‌دهد. اعداد نمایش داده شده ضرایب مسیر



شکل ۴- مدل ساختاری پژوهش

بحث و نتیجه

همان‌طور که در بخش نظری مقاله ذکر شد، الگوهای رفتاری انسان‌ها مهم‌ترین عامل ایجاد کننده پایداری و یا ناپایداری زیست محیطی در جوامع هستند. پژوهش حاضر سعی دارد تا با رویکردی جامعه‌شناختی تأثیر نگرش مسؤولانه زیست محیطی شهروندان و همین‌طور دلبستگی آنان به فضای شهری محل سکونتشان را در رفتار زیست محیطی آنان بررسی کند. یافته‌های پژوهشی حاضر نشان می‌دهند که میانگین رفتار مسؤولانه زیست محیطی شهروندان تبریزی ۷۴/۵ درصد از مقیاس تعریف شده است. بررسی ابعاد سازنده رفتار زیست محیطی به عنوان متغیر وابسته نشان می‌دهد که شهروندان با کسب میانگین ۸۰/۶۶ درصد از مقیاس تعریف شده برای بُعد رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه عمومی، بالاترین نمره در حوزه رفتار زیست محیطی را در این بُعد به دست آورده‌اند؛ در بُعد رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی نیز میانگین نمراتشان، ۶۸/۵ درصد مقیاس تعریف شده این بُعد بوده است که مقدار آن کمی بیشتر از حد متوسط است. برای توضیح نمره پایین‌تر شهروندان در رفتار زیست محیطی حوزه خصوصی‌شان نسبت به حوزه عمومی نیز می‌توان بیان کرد که اغلب رفتارهای زیست محیطی در حوزه عمومی جنبه حمایتی دارند، به عبارتی حمایت‌های شهروندان از عملکردهای مسؤولانه دولتی در حوزه محیط زیست زیرمجموعه رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی در حوزه عمومی قرار می‌گیرد، در حالی که رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی در اغلب موارد به شخص فرد و تلاش و علاقمندی او برای صرف وقت و گاهی نیز هزینه بر می‌گردد؛ این دلیل می‌تواند تبیین کننده میانگین پایین‌تر رفتار مسؤولانه زیست محیطی در حوزه خصوصی نسبت به حوزه عمومی باشد. البته یافته‌ها نشان می‌دهد که به سبب ضعف وضعیت اقتصادی و معیشتی شهروندان، در کل، گویه‌های مربوط به رفتارهای مسؤولانه زیست محیطی هزینه بر (در هر دو حوزه خصوصی و عمومی) دارای میانگین

نمرات بسیار پایینی نسبت به باقی گویه‌های رفتاری هستند. برای مثال، بیشتر شهروندان شهر تبریز به صرف یارانه ماهیانه‌شان توسط دولت برای امور محیط زیست تمایلی ندارند و این امر به علت احساس نیاز آنان به این یارانه ماهیانه و به عبارتی اولویت امنیت اقتصادی برای شهروندان است (Salehi, 2008) و یا اغلب شهروندان استفاده از وسیله نقلیه شخصی را بر استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی ترجیح می‌دهند که این نیز می‌تواند به علت عدم تجهیز مناسب وسایل حمل و نقل عمومی و نارسایی در نظام حمل و نقل عمومی شهری و نیز جاذبه خودروی شخصی و تبدیل آن به یک نوع شاخص منزلت اجتماعی باشد. بنابراین رفتارهای غیرمسؤولانه در قبال محیط زیست نتایج مخاطره‌آمیزی برای محیط زیست دارند که آگاهی از آن برای شهروندان بسیار ضروری و حیاتی است.

نتایج مربوط به نگرش زیست محیطی شهروندان حاکی از آن است که میانگین نگرش مسؤولانه زیست محیطی آنان ۷۵/۸۳ درصد از مقیاس تعریف شده است که میزان بالایی را نسبت به میانگین رفتار مسؤولانه زیست محیطی (۷۴/۵) نشان می‌دهد. یافته‌های مطالعات پیشین نیز این امر را تأیید می‌کنند که تقریباً در تمامی بررسی‌ها نمرات نگرش مسؤولانه زیست محیطی بالاتر از نمرات رفتار مسؤولانه زیست محیطی بوده است (Milfont, 2010; De Pelsmacker et al., 2006; Laidley, 2013)؛ شاخص‌های لذت از طبیعت با میانگین ۸۰/۶۶ درصد از مقیاس تعریف شده و باور به تهدیدهای زیست محیطی با میانگین ۷۹ درصد از مقیاس تعریف شده، مقادیر متوسط به بالایی را نشان می‌دهند؛ بنابراین اغلب شهروندان اظهار داشته‌اند که از حضور در طبیعت شهر تبریز لذت می‌برند و نیز تهدیدهای زیست محیطی را باور دارند و آن را شوخی و یا مانورهای سیاسی یا تبلیغاتی در سطح جامعه به حساب نمی‌آورند. شاخص‌های اعتقاد به حفاظت از طبیعت به خاطر انسان دارای میانگین ۸۳ درصد، اعتقاد به تسلط نیافتن انسان بر طبیعت دارای میانگین ۶۴ درصد و اعتقاد به بهره‌برداری

بررسی‌ها مدعی شده‌اند که کیفیت مکان و رضایت‌مندی افراد از آن نیز در دل‌بستگی شهروندان به آن نقش اساسی دارد؛ بر اساس ادبیات پژوهش، هرچه شهر تیریز و محیط طبیعی و اجتماعی آن بتواند نیازها و توقعات شهروندان خود را بیشتر و بهتر برآورده سازد، دل‌بستگی شهروندان به آن بیشتر می‌شود (Raymond et al., 2011; Scannell & Gifford, 2010) و دل‌بستگی شکل گرفته و یا تقویت شده نیز رفتارهای مسئولانه بیشتری را در شهروندان سبب می‌شود.

یافته‌های این مقاله کاملاً با بررسی‌های گذشته در مورد دل‌بستگی افراد به مکان‌های مهم در زندگی اجتماعی آن‌ها سازگاری دارد، مطالعات پیشین نیز بیان کرده‌اند که علی‌رغم غلبه مدرنیته متأخر بر فضای جهانی و همین‌طور جهانی شدن و تراکم فضا-زمان، همچنان مکان‌ها نقش فعالی در شکل‌گیری احساسات و هویت افراد انسانی داشته و همین‌طور در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای بشری در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تأثیرگذار هستند (Scannell & Gifford, 2010؛ امیرکافی، ۱۳۸۷). نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری پژوهش نشان می‌دهند که شدت رابطه عاطفی شهروندان با محیط طبیعی و اجتماعی شهر تیریز موجب تقویت نگرش مسئولانه شهروندان در حوزه محیط زیست و در نهایت تمایل آن‌ها به رفتارهای مسئولانه زیست محیطی می‌گردد. ادبیات پژوهشی در مقاله نیز تأیید کننده این امر است که وجود مکان‌های با اهمیت و ارتباط انسان‌ها با آن‌ها، با احتمال زیادی نگرانی نسبت به تهدیدات وارد بر آن‌ها را افزایش می‌دهد و همین‌طور، افرادی با دل‌بستگی بیشتر به مکان‌هایی که در آن‌ها حضور می‌یابد، تمایل بیشتری به درگیر شدن در عملکردهای مثبت زیست محیطی دارند (e.g., Hernandez & et al., 2010; Raymond et al., 2011; Ramkissoon & Smith & Weiler, 2013).

منابع

افشانی، ع؛ نوریان، م. و حسینی رامشه، ز. (۱۳۸۴). *فرازی بر SPSS 14*، تهران: انتشارات پیشه.

نکردن انسان از طبیعت دارای میانگین ۷۲/۶۶ درصد نسبت به مقیاس تعریف شده می‌باشند. همان‌طور که از این یافته‌ها بر می‌آید، ۲۶ درصد از شهروندان شهر تیریز به طور میانگین، به ضرورت تسلط انسان بر طبیعت اعتقاد دارند و طبیعت را برای استفاده انسان می‌دانند. این اعتقاد با نگرش مسئولانه زیست محیطی مغایر است و البته تعداد شهروندان شهر تیریز با این نوع نگرش کم نیست. به عبارتی، اغلب شهروندان تیریز از سویی به حفاظت از محیط زیست به خاطر منافع انسانی معتقدند و از سوی دیگر، تا حدودی ضرورت تسلط انسان بر طبیعت را نیز رد نمی‌کنند. این یافته حاکی از وجود جهان‌بینی فناوری-محور در برخی افراد شهر تیریز است، جهان‌بینی که ارزش ذاتی را نه به محیط زیست بلکه به رشد و توسعه اقتصادی جامعه قائل می‌شود؛ همان‌طور که پیش از این در مبانی نظری پژوهش بیان شد، دانلپ و همکارانش (2000) جهان‌بینی فناوری-محور را ضد محیط زیست می‌دانند و آن را به چالش کشیدند. آن‌ها معتقدند که جوامعی با این جهت‌گیری افراد را به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست متمایل نمی‌کند (Barr, 2003). با این حال، سایر شاخص‌های نگرش مسئولانه زیست محیطی مقادیر بالایی را به خود اختصاص داده‌اند.

در این مقاله علاوه بر متغیرهای رفتار و نگرش مسئولانه زیست محیطی، متغیر سومی به نام دل‌بستگی مکانی نیز وارد مدل پژوهش شده است. آمارهای توصیفی مربوط به متغیر دل‌بستگی مکانی و ابعاد آن نشان می‌دهند که شهروندان با کسب میانگین نمره ۷۴ درصد از مقیاس قابل اکتساب دل‌بستگی مکانی دارای دل‌بستگی متوسط به بالایی نسبت به شهر تیریز هستند؛ نمرات شاخص‌های وابستگی کالبدی و هویت کالبدی و وابستگی اجتماعی نیز همگی بالاتر از سه چهارم مقیاس قابل کسب بوده است. این مقادیر نشان می‌دهند که اغلب شهروندان هم به لحاظ عملکردی و هم به لحاظ عاطفی دل‌بستگی زیادی به کالبد طبیعی و نیز محیط اجتماعی شهر تیریز دارند و علت این موضوع می‌تواند عوامل گوناگون تاریخی و اجتماعی شهر تیریز باشد؛ همین‌طور برخی

کفاشی، م. (۱۳۹۳). «مدل معادلات ساختاری مؤلفه‌های سبک زندگی مؤثر بر هویت اجتماعی»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۶، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰*، دسترسی در مورخه (۱۳۹۴/۳/۵):

<https://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1160>

موحدی، م. و جمیلی کهنه شهری، ف. (۱۳۸۵). «دوگانگی اجتماعی نظر و عمل: توسعه فرضیه دوسوگرایی جامعه‌شناختی در عرصه بهداشت»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۱۳۳-۱۶۲.

هنرور، ح. (۱۳۹۰). *بررسی رابطه نگرش به محیط زیست با رفتارهای مسؤولانه در قبال آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز.

یزدخواستی، ب؛ حاجیلو، ف. و علیزاده‌اقدام، م. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه سواد بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی (مورد مطالعه: شهروندان تبریز)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال ۳؛ ش ۷، ص ۷۷-۱۰۴.

Bamberg, S. Guido, M. (2007) "Twenty Years after Hines, Hungerford, and Tomera: A New Meta-Analysis of Psycho-Social Determinants of Pro-Environmental Behavior", *Journal of Environmental Psychology*, 27(1): 14-25.

Barr, S. (2003) "Strategies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behavior", *Area*, 35(3): 227-240.

Barr, S. (2004) "Are We All Environmentalists Now? Rhetoric and Reality in Environmental Action", *Geoforum*, 35 (2): 231-249.

Barry, J. (2007) *Environment and Social Theory* (2nd Ed.). London and New York: Routledge.

Blake, J. (1999) "Overcoming the 'Value-Action Gap' in Environmental Policy: Tensions between National Policy and Local Experience", *Local Environment: The International Journal of Justice and Sustainability*, 4 (3): 257-278.

Cohen, M. Murphy, J. (2001) *Exploring Sustainable Consumption: Environmental Policy and the Social Sciences*. Oxford: Elsevier Science.

Dickson, M. (2001) "Utility of no Sweat Labels for Apparel Consumers: Profiling Label Users and Predicting their Purchases", *The Journal of Consumer Affairs*, 35 (1): 96-119.

De Pelsmacker, P. Driesen, L. and Rayp, G. (2006) "Do Consumers Care about Ethics?"

امیرکافی، م. و فتحی، ش. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۵، ش ۱، ص ۱۱-۳۷.

بابایی‌اقدام، ف. و حسین‌زاده دلیر، ک. و صدر موسوی، م. (۱۳۸۶). «اکولوژی ازدحام شهری در حواشی شهر تبریز»، *مجله جغرافیا و توسعه*، ش (۹) ۵، ص ۱۶۱-۱۸۰.

بدری گرگری و عباس‌زاده، م؛ نصیری، ف؛ حسینی‌اصل، م. و علیزاده اقدام، ف. (۱۳۹۰). «بررسی تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط با طبیعت و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان (مقیاس در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی محیط زیست)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۲، شماره پیاپی (۴۴). ش ۴، صص ۱۹-۳۴.

دانشپور، ه؛ سپهری‌مقدم، م. و چرخچیان، م. (۱۳۸۸). «تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ش ۳۸، ص ۳۷-۴۸.

صادقی، ک. و خوش‌اخلاق، ر؛ عمادزاده، م. و دلالی اصفهانی، ر. (۱۳۸۷). «تأثیر آلودگی هوا بر ارزش مسکن»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۲، ش ۳۷، ص ۱۷۱-۱۹۲.

صالحی، ص. و امام‌قلی، ل. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، ش ۴، ص ۹۰-۱۱۵.

ضیاءپور، آ؛ کیانی‌پور، ن. و نیکبخت، م. (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی محیط زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه»، *مجله علمی-ترویجی آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، سال ۱، ش ۲، ص ۵۵-۶۷.

- Relationships with Place Satisfaction and Pro – Environmental Behaviors: A Structural Equation Modelling Approach”, *Tourism Management*, 36: 552-566.
- Raymond, C. Brown, G. and Robinson, G. (2011) “The Influence of Place Attachment and Moral and Normative Concerns on the Conservation of Native Vegetation: A Test of Two Behavioral Models”, *Journal of Environmental Psychology*, 31: 323-335.
- Ronchi, L. (2006) “Fair-trade and Market Failures in Agricultural Commodity Markets”. *World Bank Policy Research Working Paper*. No. 4011.
- Salehi, S. (2010) *People and Environment: a study of environmental attitudes and behavior in iran*. Saarbrücken: LAP Lambert Academic Publishing.
- Scannell, L. Gifford, R. (2010) “The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior”, *Journal of Environmental Psychology*, XXX: 1-9.
- Snepenger, D. Snepenger, M. Dalbey, M. and Wessol, A. (2007) “Meaning and Consumption Characteristics of Places at a Tourism Destination”, *Journal of Travel Research*, 45: 310-321.
- Stern, C. P. (2000) “Toward A Coherent Theory of Environmentally Significant Behavior”, *Journal of Social Issues*, 56(3): 407-424.
- Vaske, J. & Kobrin, K. (2001) “Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior,” *Journal of Environmental Education*, 32(4): 16-21.
- Vermeir, I. Verbeke, W. (2006) “Sustainable Food Consumption: Exploring the Consumer "Attitude – Behavioral Intention" Gap”, *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 19 (2): 169–194.
- Wakefield, S. Elliot, S. Eyles, J. Cole, D. (2006) “Taking Environmental Action: The Role of Local Composition, Context and Collective”, *Environmental Management*, 37:40-53.
- Williams, D. R. & Vaske, J. J. (2003) “The Measurement of Place attachment: Validity and Generalizability of A Psychometric Approach”, *Forest Science*, 49(6): 830-840.
- Willingness to Pay for Fair-Trade Coffee”, *Journal of Consumer Affairs*, 39 (2): 363–385.
- Dunlap, R. E. Kent, D. V. L. Mertig, G. A. & Jones, R. E. (2000) “Measuring Endorsement of the New Environmental Paradigm: A Revised NEP Scale”, *Journal of Social Issues*, 56(3): 425-442.
- Hernandez, B. Martin, A. Cristina, R. Hidalgo, M. (2010) “The Role of Place Identity and Place Attachment in Breaking Environmental Protection Laws”, *Journal of Environmental Psychology*, XXX:1-8.
- Kollmus, A. Julian, A. (2002) “Mind the Gap: Why do People Act Environmentally and what Are the Barriers to Pro-Environmental Behavior?,” *Environmental Education Research*, 8 (3): 239–260.
- Kyle, G. Mowen, A. & Tarrant, M. (2004) “Linking Place Preferences with Place Meaning: an Examination of the Relationship between Place Motivation and Place Attachment”, *Journal of Environmental Psychology*, 24: 439-454.
- Laidley, M. T. (2013) “The Influence of Social Class and Cultural Variables on Environmental Behaviors, Municipal-Level Evidence from Massachusetts”, *Journal of Environment and Behavior*, Online access in August 23:170-197.
- Low, S. M. and Irwin, A. (1992) “Place Attachment: A Conceptual Inquiry”. In Irwin Altman and Setha, M. Low (Eds), *Place Attachment*, New York/ London: Plenum Press: 1-12.
- Milfont, D. T. John, D. (2010) “The Environmental Attitudes Inventory: A Valid and Reliable Measure to Assess the Structure of Environmental Attitudes”, *Journal of Environmental Psychology*, 30: 80-94.
- Milfont, T. L. Duckitt, J. and Wagner, C. (2010) “A Cross-Cultural Test of the Value–Attitude–Behavior Hierarchy”, *Journal of Applied Social Psychology*, 40: 2791–2813.
- Nik, R. N. & Mohammad, N. (2012) “A Discussion of Underlying Theories Explaining the Spillover of Environmentally Friendly Behavior Phenomenon”, *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 50: 1061 – 1072.
- Rajecki, D. W. (1982) *Attitude, themes and advances*. Sunderland: Sinauer Associates Press.
- Ramkissoon, H. Smith, L. Weiler, B. (2013) “Testing the Dimensionality of Place Attachment and Its